

رابطه بین سطوح تحول اخلاقی و رویکردهای عدالت توزیعی در کشتی گیران استان گلستان

*مهران سرداری^۱، دکتر مسعود نادریان^۲، دکتر محمد سلطان حسینی^۳، نورالله گراوند^۴،
علی قربانزاده^۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سطوح تحول اخلاقی با رویکردهای عدالت توزیعی است. به این منظور، ۳۴۱ نفر از کشتی گیران استان گلستان، به صورت خوشه‌ای برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌های آزمون تبیین مسائل رست و همکاران و مقیاس عدالت توزیعی راسینسکی انتخاب شدند. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ نمونه‌مقدماتی، به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۰ به دست آمد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد بین سطوح تحول اخلاقی و رویکردهای عدالت توزیعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و به جز رویکرد انصاف، بین سه طرح‌واره اخلاقی با اغلب رویکردهای عدالت توزیعی رابطه معنی‌دار مشاهده می‌شود ($p < 0.05$). نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که از میان طرح‌واره‌های اخلاقی، طرح‌واره نفع شخصی رویکردهای فردگرایی اقتصادی و نیاز را بهتر پیش‌بینی می‌کند، در حالی که طرح‌واره تفکر پس‌عرفی پیش‌بینی کننده بهتری برای رویکرد نیاز است و طرح‌واره پاسداشت هنجارها نیز رویکردهای برابری و فردگرایی اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند.

کلیدواژه‌های فارسی: تحول اخلاقی، رویکردهای عدالت توزیعی، طرح‌واره نفع شخصی، طرح‌واره پاسداشت هنجارها، طرح‌واره تفکر پس‌عرفی.

Email: sardari82@yahoo.com

۱ و ۴. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه اصفهان

۲ و ۳. استادیار دانشگاه اصفهان

۵. کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

انسان موجودی است که دارای قوه تفکر، نطق، عاطفه و برخی ویژگی‌های مشترک با حیوانات است. در میان جامعه حیوانی، انسان از ویژگی‌های خارق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند سایر پدیده‌های هستی را در تسخیر خود داشته باشد. انسان دارای ویژگی‌های پیچیده و پر رمز و رازی است که هر روز علوم جدید ذره‌ای از دریای بی‌نهایت آن را کشف می‌کند و به گفته آبراهام مازلو انسان به دنبال خودشکوفایی است. در این میان، اخلاق و سطح تحول اخلاقی فرد در رساندن فرد به کمال نقش به‌سزایی دارد؛ زیرا باعث شکل‌گیری اندیشه‌ها، نگرش‌ها، رویکردها و در نتیجه، رفتارهای افراد در جامعه می‌شود.

شاید جیمز سالی^۱ (۱۸۹۶) نخستین فردی باشد که از منظر علمی و در حیطه روان‌شناسی درباره تحول اخلاقی اظهار نظر کرده است. به نظر او فرد ذاتاً به آنچه مرسوم است احترام می‌گذارد و از قواعد زندگی پیروی می‌کند (۱). از سوی دیگر، عدالت مقوله‌ای مهم و مرتبط با اخلاق است که تحقق آن، بدون تحول اخلاقی میسر نیست، تحول اخلاقی نیز در گرو اجرای عدالت اجتماعی است و این دو بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. عدالت از دیرباز ذهن انسان‌ها، به ویژه فلاسفه، حکما و دیگر اندیشمندان را به خود مشغول داشته است و همواره جوامع و افراد، رویکردهای متفاوت و متنوعی به آن داشته‌اند. با توجه به اینکه عدالت از آرمان‌ها و مهم‌تر از آن، از بنیان‌های تشکیل و قوام زندگی مطلوب فردی و اجتماعی انسان‌هاست؛ بی‌گمان، شناخت و تبیین عوامل مؤثر بر رویکردهای افراد به آن نیز مقوله مهم دیگری است. ارتباط عدالت با اخلاق چنان نزدیک تصور شده است که معمولاً در کنار اخلاق از عدالت‌مدار بودن و در کنار عدالت از اخلاقی بودن آن سخن گفته شده است، اما این پرسش مطرح است که در واقع، چه رابطه‌ای میان اخلاق و عدالت وجود دارد؟

عدالت اجتماعی به عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای تقسیم می‌شود. عدالت توزیعی با دو نظریه انصاف و فردگرایی اقتصادی شناخته می‌شود. بر اساس نظریه انصاف، در موقعیتی منصفانه، برون‌داد افراد با درون‌داد آنها تناسب دارد. در نظریه فردگرایی اقتصادی گفته می‌شود: فردی که سخت کار می‌کند باید به منابع بیشتری دست یابد و افرادی که کمتر تلاش می‌کنند باید از منابع و خدمات اجتماعی کمتری بهره ببرند.

دیدگاه برابری خواهی، هم عدالت توزیعی و هم عدالت رویه‌ای را در بردارد و دو نظریه بر مبنای آن وجود دارد: نظریه نیاز که معتقد است همه افراد باید به میزان نیازهایشان از منابع و خدمات

1. James sally

بهره‌مند شوند و نظریهٔ برابری که خواهان دسترسی برابر همهٔ افراد به خدمات اساسی، رفتار یکسان با همهٔ افراد جامعه و توزیع مجدد ثروت است. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی نشان داده است که مردم معیارهای خاصی برای عدالت دارند که به آنها امکان می‌دهد تا معین کنند کدام پدیده‌ها منصفانه و کدام غیرمنصفانه‌اند (۲). برخی پژوهشگران این قضاوت‌های عدالت‌محور را همچون قضاوت‌های اخلاقی، دارای ماهیت تجویزی یا ایدئولوژیکی می‌دانند (۳)؛ به این معنا که قضاوت در مورد آنچه منصفانه است، اغلب بر پایهٔ ارزش‌های فردی انجام می‌شود که به شیوه‌های تفکر در مورد وضعیت مطلوب پدیده‌ها (وضعیتی که باید برقرار باشد) معطوف است و ممکن است بیشترین رابطه را با پردازش شناختی عقلانی داشته باشد (۴). به‌طورحتم، عوامل زیادی در قضاوت‌های عدالت‌محور افراد و به‌طور کلی، در چگونگی رویکرد آنها به عدالت اجتماعی مؤثرند. این پرسش می‌تواند در ذهن ایجاد شود که آیا نگرش‌ها و قضاوت‌های اخلاقی و به بیان دقیق‌تر، تحول اخلاقی افراد نمی‌تواند یکی از عوامل بالا باشد؟ کسانی که با نظریه‌های تحول اخلاقی در روان‌شناسی آشنایی دارند، می‌دانند که نظریهٔ کلبِرگ شناخته شده‌ترین و پرکاربردترین نظریه در این حیطه است. نکتهٔ جالب این است که همان‌طور که دامون^۱ (۱۹۷۵) بیان می‌کند، نظریهٔ تحول اخلاقی و عدالت توزیعی و رویه‌ای را می‌توان شاخه‌ها یا اجزای درونی این نظریه تلقی کرد (۵).

امروزه، نظریه‌ها و ابزارهای نوینی در زمینهٔ تحول اخلاقی و عدالت اجتماعی، در حوزه‌های گوناگون مطرح شده‌اند. برای مثال، برخی پژوهشگران مانند رست، ناروز، بیئو و توما^۲ (۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۲) دیدگاه نئوکلبِرگی را مطرح و تدوین کرده‌اند که در ابعاد نظری و جنبه‌های روش‌شناختی و ابزاری، اصطلاحات و بازنگری‌هایی را در رویکرد کلبِرگی در بر دارد. برای مثال، آنها بیان می‌کنند که تحول شناختی انسان‌ها را می‌توان به‌صورت تغییراتی در طرح‌واره‌ها توصیف کرد و به این ترتیب، سطح تحول اخلاقی افراد را در سه سطح نفع شخصی، پاسداشت هنجارها، و تفکر پس‌عرفی طبقه‌بندی می‌کنند (۶-۸). رست و همکاران (۱۹۹۹) بر همین مبنا، در رویکرد نئوکلبِرگی خود تحول اخلاقی انسانی را به جای توصیف با مرحله‌های تحول اخلاقی، با طرح‌واره‌های اخلاقی تعیین می‌کنند (۹). نتایج مطالعهٔ گانزبورگر، وگنر و نوشیان^۳ (۱۹۷۷) نشان داد که جایگاه فرد در سلسله مراتب کلبِرگ از مراحل اخلاقی، پیش‌بینی‌کنندهٔ مهمی برای پاسخ توزیعی بود، در حالی که سن آزمودنی‌ها چنین نقشی نداشت (۱۰). هلکاما^۴

1. Damon

2. Rest, Narvez, Bebeau, Thoma

3. Gunzburger, Wegner, noshian

4. Helkama

(۲۰۰۳) رابطه تحول قضاوت اخلاقی و قواعد عدالت رویه‌ای را در نمونه‌های کوچکی از کارپردازان و پزشکان مطالعه کرد و پی برد پاسخ دهندگانی که نمرات بالاتری در دوره‌های فرضی کلبرگ داشتند، بیشتر از پاسخ دهندگان با نمرات کمتر، قواعد درستی اطلاعات و اخلاقی بودن را در مسائل اخلاقی زندگی واقعی به کار می‌بردند (۱۱). نتایج مطالعه فیشر و سویینی^۱ (۱۹۹۸) نشان داد وقتی آزمودنی‌ها به معماهای (DIT) از دیدگاهی محافظه‌کارانه جواب می‌دادند، نمرات قضاوت اخلاقی آنها کاهش می‌یافت (۱۲). نتایج مطالعات لرنر بیان می‌کند که تحول شناختی بر نوع و شیوه توزیعی که افراد انتخاب می‌کنند تأثیر دارد (۴). سیاه‌پوش (۱۳۸۱) عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان را به عدالت و آزادی بررسی کرد و پی برد که دانشجویان، از میان اصولی که عدالت براساس آنها تعریف می‌شود، گرایش زیادی به تعریف عدالت براساس شایستگی و برابری بین افراد دارند (۱۳). در کشور ما عدالت و فضیلت‌های اخلاقی در ابعاد فکری و اجتماعی، همواره مورد توجه نظام خانواده، نظام آموزش و پرورش، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و ورزشی کشور بوده است. بینش و آگاهی در مورد روابط این دو مقوله، به‌ویژه در مورد قشر جوان و آینده‌ساز کشور اهمیت دوچندانی دارد؛ زیرا آنها از سوی تربیت‌شدگان جامعه امروز و از سوی دیگر، سازندگان جامعه فردا و تربیت‌کنندگان نسل‌های بعدی هستند. این موضوع در مورد ورزشکاران فراتر نیز می‌رود؛ زیرا آنها الگوی نسل جوان تلقی می‌شوند و تحول فکری و اخلاقی آنها می‌تواند باعث ترویج و گسترش فرهنگ‌های اخلاقی مطلوب شود. قهرمانان نخبه ورزشی، الگوی مرجع ورزشکاران جوان و نوجوان می‌باشند و نفوذ فوق‌العاده‌ای در جهت‌دهی به رفتارها، نگرش‌ها و نحوه مرادوات آنها دارند؛ بنابراین چنانچه ورزشکاران ممتاز، به‌ویژه کشتی‌گیران که در ایران پیوسته یادآور مفاهیم ارزشی و اصول اخلاقی مانند سجا‌بای اخلاقی، جوانمردی، گذشت و ایثار بوده‌اند؛ بتوانند ارزش‌های اخلاقی را در کنار مهارت‌های فنی در خود پرورش دهند، می‌توانند نقش مؤثری در توسعه اصول اخلاقی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در بین ورزشکاران جوان داشته باشند. عدالت مقوله‌ای مهم در ورزش و اجتماع بشری است و سطح نگرش افراد با توجه به سطح اخلاقی آنها متفاوت است و نقش تعیین‌کننده‌ای در تکامل شخصیت دارد؛ بنابراین در تحقیق حاضر سعی شده است که رابطه این دو مقوله در بین کشتی‌گیران، به عنوان نماد اخلاقی کشور بررسی گردد.

1. Fisher, Sweeny

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق، توصیفی و از نوع همبستگی است که روی کشتی‌گیران استان گلستان انجام شده است. از آنجا که جمعیت کشتی‌گیران استان، براساس آمار هیئت کشتی، حدود ۳۰۰۰ نفر است؛ طبق جدول مورگان، ۳۴۱ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که این تعداد به صورت خوشه‌ای از بین شهرها و باشگاه‌های مختلف انتخاب شدند و با در نظر گرفتن احتمال ناقص ماندن برخی پرسشنامه‌ها و عدم عودت برخی دیگر، ۴۰۰ پرسشنامه بین کشتی‌گیران توزیع شد.

از ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده، ۳۷۵ پرسشنامه بازگردانده شد که ۳۵۰ عدد آنها معتبر و واجد شرایط نمره‌گذاری شناخته شد.

پرسشنامه آزمون تبیین مسائل^۱ که توسط رست و همکاران (۱۹۹۹) ساخته شده است، برای سنجش تحول اخلاقی استفاده می‌شود و شامل پنج داستان است که دو راهی یا معماهای اخلاقی را برای آزمودنی مطرح می‌کند. برای نمره‌گذاری آزمون تبیین مسائل، پس از آنکه پاسخ دهنده میزان اهمیت ۱۲ پرسش مربوط به هر موقعیت فرضی (داستانی در برگرفته چالشی اخلاقی) را مشخص کرد و از بین پرسش‌های مذکور، چهار مورد را که از نظر او بیشترین اولویت را دارند، رتبه‌بندی کرد، به این اولویت‌ها بر حسب ترتیب آنها، ضرایب داده می‌شود به این صورت که اولویت نخست ضریب ۴، اولویت دوم ضریب ۳، اولویت سوم ضریب ۲ و اولویت چهارم ضریب ۱ می‌گیرد.

از آنجا که هر یک از ۱۲ پرسش مربوط به پنج موقعیت فرضی این آزمون، نشان‌دهنده یکی از سه طرح‌واره اخلاقی است، ضرایب اولویت‌ها نشانگر میزان کاربرد طرح‌واره‌ها برای تصمیم‌گیری در مورد چالش اخلاقی موقعیت‌های فرضی است و هر طرح‌واره می‌تواند نمره‌ای بین صفر تا ۵۰ به دست آورد؛ زیرا مجموع ضرایب برای هر موقعیت فرضی حداکثر ۱۰ می‌باشد (۱+۲+۳+۴). با توجه به اینکه پنج موقعیت فرضی در آزمون تبیین مسائل ۲ مطرح شده است، حداکثر نمره طرح‌واره‌های اخلاقی، ۵۰ خواهد بود. متخصصان تربیت بدنی روایی آزمون را تأیید کرده‌اند و پایایی این آزمون نیز از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ ارزیابی شد.

پرسشنامه عدالت توزیعی راینسکی (۱۹۸۷) ۱۲ سؤال است و هر سه سؤال آن (هر زیر مقیاس) به یکی از رویکردهای فردگرایی اقتصادی (پرسش‌های ۱، ۵ و ۹) انصاف (پرسش‌های ۲، ۶، ۱۰)، برابری (پرسش‌های ۳، ۷ و ۱۱) و نیازها (پرسش‌های ۴، ۸ و ۱۲) اختصاص دارند.

پاسخ‌گویان باید نظر خود را در مورد هر پرسش، در طیفی لیکرتی از بسیار مخالفم تا بسیار موافقم (با نمره ۱ تا ۵) مشخص کنند. متخصصان تربیت بدنی روایی آزمون را تأیید کرده‌اند و پایایی آن، با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ ارزیابی شد.

داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده‌اند. از شاخص‌های گرایشی مرکزی و پراکندگی شامل میانگین و انحراف معیار، برای ارائه اطلاعات توصیفی استفاده شده است. همچنین، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط طرح‌واره‌های اخلاقی (سه طرح‌واره نفع شخصی، پاسداشت هنجارها و تفکر پس‌عرفی) با رویکردهای موجود به عدالت توزیعی (چهار رویکرد فردگرایی اقتصادی، انصاف، برابری و نیاز) به‌کار گرفته شده است.

به‌منظور پیش‌بینی متغیر ملاک (رویکردها به عدالت توزیعی)، با کمک متغیرهای پیش‌بین (طرح‌واره‌های اخلاقی) از تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه با روش گام به گام استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی (ملاک و پیش‌بین) پژوهش یعنی سه طرح‌واره اخلاقی و چهار رویکرد عدالت توزیعی شامل: میانگین، انحراف معیار، واریانس، دامنه، مقدار کمینه و بیشینه ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	دامنه	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
طرح‌واره نفع شخصی	۳۴۱	۲۴	۰	۲۴	۱۰/۱۷	۵/۵۱	۳۰/۳۱
طرح‌واره پاسداشت هنجارها	۳۴۱	۲۷	۳۱	۴	۱۸/۴۷	۵/۱۱	۲۶/۱۴
طرح‌واره تفکر پس‌عرفی	۳۴۱	۳۶	۰	۳۶	۱۸/۶۲	۷/۱۸	۵۱/۴۹
رویکرد فردگرایی اقتصادی	۳۴۱	۱۲	۳	۱۵	۹/۵۷	۲/۶۳	۶/۹۳
رویکرد انصاف	۳۴۱	۱۵	۲	۱۷	۱۰/۹۹	۲/۴۳	۵/۹۲
رویکرد برابری	۳۴۱	۱۳	۵	۱۸	۱۱/۹۶	۱/۳۶	۱/۸۶
رویکرد نیاز	۳۴۱	۲۳	۷	۳۰	۱۱/۹۹	۲/۴۲	۵/۸۶

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود از میان سه طرح‌واره اخلاقی، طرح‌واره تفکر پس‌عرفی، بالاترین میانگین (۱۸/۶۲) و طرح‌واره نفع شخصی کمترین میانگین (۱۰/۱۷) را دارند. همچنین از بین چهار رویکرد عدالت توزیعی، رویکرد نیاز، بیشترین میانگین (۱۱/۹۹) و

رویکرد فردگرایی اقتصادی، کمترین میانگین (۹/۵۷) را دارند. در مجموع، پراکندگی نمرات برای طرح‌واره‌های اخلاقی از ۲۶/۱۴ تا ۵۱/۴۹ و برای رویکردهای عدالت از ۱/۸۶ تا ۶/۹۳ می‌باشد.

در جدول ۲، تعداد، میانگین و انحراف معیار مربوط به رویکردهای توزیعی، به تفکیک مقطع تحصیلی شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. تعداد، میانگین و انحراف استاندارد رویکردها به عدالت توزیعی به تفکیک مقطع تحصیلی

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص توصیفی	
			رویکرد به عدالت اجتماعی	
۲/۶۲	۹/۸۷	۱۱۶	مقطع متوسطه	رویکرد فردگرایی اقتصادی
۲/۶۲	۹/۴۹	۲۰۹	مقطع کارشناسی	
۲/۶۶	۸/۵۶	۱۶	مقطع ارشد	
۲/۳۵	۱۰/۹۰	۱۱۶	مقطع متوسطه	رویکرد انصاف
۲/۵۲	۱۱/۰۲	۲۰۹	مقطع کارشناسی	
۱/۷۶	۱۱/۱۹	۱۶	مقطع ارشد	
۱/۴۹	۱۱/۸۸	۱۱۶	مقطع متوسطه	رویکرد برابری
۱/۲۹	۱/۹۷	۲۰۹	مقطع کارشناسی	
۱/۲۶	۱۲/۵	۱۶	مقطع ارشد	
۲/۷۹	۱۲/۳۴	۱۱۶	مقطع متوسطه	رویکرد نیاز
۲/۱۶	۱۱/۷۶	۲۰۹	مقطع کارشناسی	
۲/۴۹	۱۲/۳۱	۱۶	مقطع ارشد	

بر مبنای داده‌های جدول ۲، در میان چهار رویکرد عدالت توزیعی، بیشترین و کمترین میانگین برای مقطع متوسطه، به ترتیب، مربوط به رویکردهای نیاز ۱۲/۳۴ و فردگرایی اقتصادی ۹/۸۷، برای مقطع کارشناسی مربوط به رویکردهای نیاز ۱/۷۶ و برابری ۱/۹۷، و برای مقطع ارشد مربوط به رویکردهای نیاز ۱۲/۳۱ و فردگرایی اقتصادی ۸/۵۶ است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی بین طرح‌واره‌های اخلاقی و رویکرد به عدالت توزیعی

رویکرد عدالت	رویکرد فردگرایی اقتصادی	رویکرد انصاف	رویکرد برابری	رویکرد نیاز
طرح‌واره‌های اخلاقی	۰/۲۲۷	۰/۰۴۹	۰/۰۴۶	۰/۲۲۹
طرح‌واره نفع شخصی	۰/۱۸۸	۰/۰۵۸	۰/۱۳۲	۰/۱۱۱
طرح‌واره پاسداشت هنجارها	۰/۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۶۵	۰/۲۶۴

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، بین طرح‌واره نفع شخصی و رویکردهای فردگرایی اقتصادی ($R=0/227$) و نیاز ($R=0/229$) رابطه معنی‌دار وجود دارد (همگی در سطح $P<0/05$). همچنین بین طرح‌واره پاسداشت هنجارها و رویکردهای فردگرایی اقتصادی ($R=0/188$) و برابری ($R=0/132$) رابطه معنی‌دار وجود دارد (همگی در سطح $P<0/05$). طرح‌واره تفکر پس‌عرفی نیز فقط با رویکرد نیاز ($R=0/264$) رابطه معنی‌دار دارد. در جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به فردگرایی اقتصادی ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به فردگرایی اقتصادی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
رگرسیون	۲۶/۶۸	۳	۸۶/۸۹	۱۳/۹۸	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۲۰۹۴/۶۷	۳۳۷	۶/۲۲	---	---
کل	۲۳۵۵/۳۴	۳۴۰	---	---	---

داده‌های جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس و اعتبار تحلیل رگرسیون انجام شده برای پیش‌بینی رویکرد به فردگرایی اقتصادی را از طریق طرح‌واره‌های اخلاقی تأیید کرده است ($F=13/98, P<0/01$).

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به انصاف

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
رگرسیون	۱۰/۷۰	۳	۳/۵۷	۰/۶۰	۰/۶۱
باقی‌مانده	۲۰۰۱/۲۵	۳۳۷	۵/۹۴	---	---
کل	۲۰۱۱/۹۵	۳۴۰	---	---	---

داده‌های جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس و اعتبار تحلیل رگرسیون انجام شده برای پیش‌بینی رویکرد به انصاف را از طریق طرح‌واره‌های اخلاقی تأیید نکرده است ($F=0/60, P<0/61$).

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به برابری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
رگرسیون	۱۳۱/۹۱	۳	۴۳/۹۷	۲۹/۶۶	۰/۰۰۰
باقیمانده	۴۹۹/۶۶	۳۳۷	۱/۴۸	---	---
کل	۶۳۱/۵۸	۳۴۰	---	---	---

داده‌های جدول ۶ نتایج تحلیل واریانس و اعتبار تحلیل رگرسیون انجام شده برای پیش‌بینی رویکرد به برابری را از طریق طرح‌واره‌های اخلاقی تأیید کرده است. ($F=۲۹/۶۶, P<۰/۰۱$) همچنین در جدول ۷ نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به نیاز نشان داده شده است ($F=۹/۲۹, P<۰/۰۱$)

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به نیاز

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
رگرسیون	۱۵۲/۰۹	۳	۵۰/۷۰	۹/۲۹	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۱۸۳۸/۸۴	۳۳۷	۵/۴۶	---	---
کل	۱۹۹۰/۹۳	۳۴۰	---	---	---

داده‌های جدول ۷ نتایج تحلیل واریانس و اعتبار تحلیل رگرسیون انجام شده را برای پیش‌بینی رویکرد به نیاز از طریق طرح‌واره‌های اخلاقی تأیید کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، طرح‌واره‌های اخلاقی (طرح‌واره نفع شخصی، پاسداشت هنجارها و تفکر پس‌عرفی) با همه رویکردهای عدالت (رویکردهای فردگرایی، اقتصادی، برابری، نیاز) به‌جز رویکرد انصاف رابطه دارند. در پژوهش‌های گانزبورگر و گنر و نوشیان (۱۹۷۷) پاسخ عدالت توزیعی نفع شخصی فقط در آزمودنی‌هایی دیده شد که در یکی از مراحل تحول اخلاقی نظریه کلبگ به استدلال اخلاقی می‌پرداختند (۱۰). در تحقیق حاضر، طرح‌واره نفع شخصی (معادل مراحل دوم و سوم تحول اخلاقی نظریه کلبگ) با رویکرد انصاف و برابری رابطه‌ای نداشت و طرح‌واره پاسداشت هنجارها (معادل مرحله چهارم کلبگ) با رویکرد فردگرایی اقتصادی برابری همبستگی مثبت و معنی‌دار داشت.

مطابق نظریه کلبگ (۱۹۸۴)، در مرحله سوم تحول اخلاقی، افراد به دلیل شناخت‌های تازه‌ای که در مورد نقش شایستگی و انصاف در توزیع فرصت‌ها، دستاوردها و امکانات به‌دست می‌آورند به تدریج، تفاوت‌هایی در توزیع‌ها، در قضاوت‌های خود ایجاد می‌کنند و این روند در مرحله چهارم ادامه می‌یابد که در آن عدالت توزیعی بر ملاحظات شایستگی اجتماعی و نقش افراد در جامعه مبتنی است (۱۴). همچنین، بر مبنای نظریه نئوکلبگی انتظار می‌رود که از اهمیت دادن به خوشایندی پیامد شخصی در طرح‌واره‌های سطوح بالاتر کاسته شود، برای مثال انتظار می‌رود کسانی که با کمک طرح‌واره پاسداشت هنجارها استدلال می‌کنند، در مورد معیارهای

سنتی عدالت توزیعی همچون انصاف یا برابری، دغدغه بیشتری داشته باشند (۹). در یافته‌های این تحقیق، طرح‌واره پاسداشت هنجارها با رویکرد برابری رابطه مثبت و معنی‌دار داشت که با پیش‌بینی مذکور همخوان بود، ولی این طرح‌واره، برخلاف انتظار، با رویکرد انصاف رابطه‌ای نداشت که می‌توان علت آن را در آموزه‌های دینی جست که برابری افراد را از لحاظ شأن و کرامت انسانی در پیشگاه خداوند، توصیه‌ای شناخته شده و مسلم به شمار می‌آورند.

از سوی دیگر، بر مبنای یافته‌های پژوهش که در جدول ۳ نشان داده شده، طرح‌واره تفکر پس‌عرفی فقط با رویکرد نیاز رابطه مثبت و معنی‌دار دارد و در واقع، هر اندازه فرد در استدلال‌ها و تصمیم‌گیری‌هایش بیشتر از طرح‌واره تفکر پس‌عرفی بهره گیرد، به رویکرد نیاز متمایل می‌شود و در این حالت، خود را در جای آنها و آنها را در جای خود قرار می‌دهد و از دیدگاه آنان به جهان پیرامون نگاه می‌کند؛ از این رو به این اصل معتقد می‌شود که همه افراد حقوقی مساوی، هم شأن و مشابه دارند که باید مراعات شده و محترم شمرده شود، از جمله این حقوق، حق برآورده شدن نیازهای اولیه و اساسی است که دربرگیرنده نیازهای اقتصادی برای زندگی با حداقل رفاه و امکانات لازم می‌باشد. افرادی که با به‌کارگیری طرح‌واره تفکر پس‌عرفی درباره مسائل اخلاقی استدلال می‌کنند، برآورده شدن حداقل نیاز هر انسان را حقی اساسی و ذاتی برای او می‌دانند و بر این مبنای، در مورد مسائل و دو راهی‌های اخلاقی قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش نیز با نظریات فوق همخوانی دارد، بدین صورت که شرکت کنندگان در پژوهش که در سطح طرح‌واره تفکر پس‌عرفی به استدلال اخلاقی می‌پردازند، گرایش بیشتری به رویکرد نیاز نشان دادند.

در مقابل، در این پژوهش استفاده از طرح‌واره نفع شخصی در استدلال‌های اخلاقی با رویکردهای فردگرایی اقتصادی و نیاز رابطه‌ای معنی‌دار داشت که رابطه آن را با نیاز می‌توان این‌گونه توجیه کرد که حتی افرادی که به سودمندی و منفعت طلبی شخصی خود می‌اندیشند، در صورتی که منافع افراد دیگر با منافع آنها تضاد نداشته باشد، مخالفتی با آن ندارند مانند زمانی که دولت برای تأمین نیازهای اولیه افراد تلاش می‌کند.

نتایج این پژوهش با پژوهش وندورفو همکاران^۱ (۲۰۰۲) در خصوص رابطه مثبت طرح‌واره‌های پاسداشت هنجارها و تفکر پس‌عرفی با رویکردهای عدالت توزیعی در اغلب موارد هم‌خوانی داشت، ولی در خصوص رابطه طرح‌واره پس‌عرفی با رویکردهای انصاف و برابری ناهمخوان بود (۱۵).

1. Wendorf, et al.

درخصوص یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به طور خلاصه، مشاهده شد که هیچ-یک از طرح‌واره‌های اخلاقی، رویکرد انصاف را پیش‌بینی نکردند. طرح‌واره نفع شخصی رویکرد فردگرایی اقتصادی و نیاز و طرح‌واره پاسداشت هنجارها رویکرد فردگرایی اقتصادی و برابری را پیش‌بینی کرد. در مورد معنی‌داری رویکرد برابری با طرح‌واره پاسداشت هنجارها می‌توان گفت که اگرچه یکی از جنبه‌های رویکرد برابری، در نظر گرفتن حقوق دیگران است، ولی جنبه دیگر آن اطمینان از تأمین حقوق و نیازهای خود فرد، دست‌کم برابر با افراد دیگر است و در واقع، کسی که به قانون و حقوق دیگران احترام می‌گذارد بیشتر خواستار آن است تا دیگران نیز به حقوق او احترام بگذارند.

از سوی دیگر، مطابق یافته‌های تحلیل رگرسیون این پژوهش که در مورد رویکرد نیاز دیده شد، این رویکرد صرفاً توسط طرح‌واره تفکر پس‌عرفی پیش‌بینی می‌شد (جدول ۳) و در این مورد خاص، نقش تعیین‌کننده طرح‌واره نفع شخصی جای خود را به تأثیر ژرف اندیشیدن و استدلال کردن بر اساس ملزومات طرح‌واره تفکر پس‌عرفی می‌دهد؛ به عبارت دیگر، ملاک و معیار برآورده شدن نیازهای اساسی همه انسان‌ها که لازمه رعایت حقوق و شأن ذاتی آنهاست، ملاکی است که فقط با دست یافتن به سطوح اندیشه و استدلال اخلاقی سطح تفکر پس‌عرفی، ملکه ذهن افراد می‌شود و آنها را وامی‌دارد در قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، گاهی حتی به قیمت ضرر شخصی و از دست رفتن منافع فردی، نیازهای انسانی و حقوق مادی افراد دیگر را مهم‌ترین عامل تأثیر گذار در نظر بگیرند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هر اندازه افراد اخلاقی‌تر می‌اندیشند، به همان اندازه در رویکرد به عدالت نیز دغدغه جدی‌تری در مورد دیگران، نیازها و حقوق بنیادین آنها پیدا می‌کنند. معنی‌داری سطح تحول اخلاقی پس‌عرفی با رویکرد نیاز، این قضیه را اثبات می‌کند. این تحقیق نشان داد طرح‌واره تفکر پس‌عرفی و رویکرد نیاز بیشترین میانگین را دارند (به ترتیب: ۱۸/۶۲ و ۱۱/۹۹) که نشان می‌دهد کشتی‌گیران سطح تحول اخلاقی بینش عدالتی مناسبی دارند. از آنجا که تحقیق حاضر، تحقیق توصیفی در مورد اخلاق است و رفتار انسان‌ها در گستره زندگی اجتماعی، بیش از هر چیز از تصورات و نگرش‌های آنها درباره مفاهیمی چون عدالت، حق، آزادی و امثال آن تأثیر می‌پذیرد؛ می‌توان با انجام تحقیقات بیشتر در مورد تعیین سطح تحول اخلاقی افراد، ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی را که در فرهنگ ورزشی کشور وجود دارد مانند: قانون شکنی‌ها، مشاجره، دعوا، و استفاده مواد نیروزا کاهش داد و از میان برد که خود مستلزم تعیین برنامه‌هایی برای ارتقاء و رشد اخلاقی افراد می‌باشد تا در آینده شاهد جامعه ورزشی سالمی باشیم.

منابع:

۱. سیف، سوسن، کدیور، پروین، کرمی نوری، رضا، لطف آبادی، حسن، (۱۳۸۲). «روان شناسی رشد (۱)». تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
2. Tyler, T. R., Smith. (1998). The Psychology of Procedural Justice: A Test of the Group Value Model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(5): 830-838.
3. Montada, L. (1998). Justice: Just a ration choice? *Social Justice Research*, 11: 81-101.
4. Lerner M. J. (1998). The Two forms of Behalf in a Just world: Som thoughts on why people care about Justice. In: L. Noted, M. J. Lerner (Eds) *Responses to Victimization and Behalf in a just World* (pp- 247- 269) New York: Plenum.
5. Damon, W. (1975). Early Conceptions of positive Justice as Related to the Development of Logical Operations. *Child Developmet*, 46: 301-312.
6. Rest, J., Thoma, S. J., Narvaez, D., Bebeau M. J. (1997). Alchemy and Beyond: Indexing the Defining Issues Test. *Journal of Education, Psychology*, 91(4): 644-659.
7. Rest, J., Narvaez, D., Bebeau, M. J., Thoma, S. J. (1999). A Neo- Kohlbergian Approach: The DIT and Schema Theory. *Educational Psychology Reveiew*, 11 (4): 291-323.
8. Rest, J., Narvaez, D., Thoma, S. J., Bebeau M. J. (2000). A Neo-Kohlbergian Approach to Morality Research. *Journal of Moral Education*, 29: 381-396.
9. Rest, J., Thoma, S. J., Edwards, L. (1999). Designing and Validating a Measure of Moral Judgment: Stage Preference and Stage Consistency Approaches. *Journal of Educational Psychology*, 89: 644-659.
10. Gunzburger, D. W., Wegner, D. M., Nooshian, L. A. (1977). Moral Judgment and Distributive Justice. *Human Development*, 20: 160- 170.
11. Helkama, K., Uutela, A., Pohjanheimo, E., Salimon, S., Koponen, A., Rantanen, Vantsi, L. (2003). Moral Reasoning and Values in Medical School: a longitudinal study in Finland. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 47(4): 399- 411
12. Fisher, D. G., Sweeney, J. T. (1998). The Relationship between Pliotocal Attiudes and moral Judgment: Examining the Validity of the Defining Issues Test. *Journal of business Ethics*, 17: 905- 916.
۱۳. سیاه‌پوش، امیر، (۱۳۸۱). عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان به عدالت و آزادی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

14. Kohlberg, L. (1984). Essays in moral development, Vol 2: the Psychology of Moral Development. Sanfrancisco: Harper and Row.
15. Vanden Bos, k. (2002). On the Subjective Quality of Social Justice: The Role of Affect as Information in psychology of Moral Judgments. Journal of Personality and Social Psychdogy, 85(3): 482- 498.

